



تحلیل رویکرد تربیتی طالبوف در «کتاب احمد»: استنباط و نقادی کاربرست‌های آن

مظهر بابایی، (نویسنده مسئول).

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان،

مائده حیدرزاده

کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۱

چکیده

میراث مکتوب برجای مانده از گذشتگان که در پشت هر یک داستانی خاص نهفته است، در فهم مطالعه‌ی تاریخ تربیتی بشر مؤثر هستند. نقادی آن‌ها از منظرهای گوناگون، تلاشی است برای حفظ آن‌ها از راه کاربرستان در زمان کنونی. هدف پژوهش حاضر، تبیین رویکرد تربیتی طالبوف، بیان کاربرست‌های امروزی و نقادی آن در «کتاب احمد»، است. برای دستیابی به این هدف، از روش‌های پژوهش اسنادی- کتابخانه‌ای، مورد پژوهی و تحلیل محتوای کیفی بهره برده شد. میدان پژوهش، کتاب سه‌جلدی «کتاب احمد»، نسخه‌ی چاپ دوم نشر شبگیر ۱۳۵۶، با مقدمه و حواشی محمدباقر مؤمنی است. یافته‌های پژوهش در چهار بخش تدوین شد. بخش نخست شامل معرفی کتاب احمد، بخش دوم به تبیین چگونگی تربیت در «کتاب احمد» در سه مرحله پرداخته است: ویژگی‌های متربی، سؤالات احمد و استخراج مفاهیم تربیتی از کتاب مذکور. در بخش سوم به استنباط کاربرست‌های امروزی از نوع تربیت مدنظر نویسنده پرداخته شد که کاربرست‌های زیر حاصل شد: ۱. شیوه‌ی برخورد مربی با متربیان، مهارت افزایی، اجازه ابراز وجود دادن ۲. روش مند بودن در آموزش، مانند روش گفت‌وگو، پرسش و پاسخ، سخنرانی و... ۳. آموزش مسائل فراتر از کلاس و درس. ۴. پیشبرد

۱. M.babaie@cfu.ac.ir

۲. Madehhaydarzadeh714@gmail.com

آموزش‌های اخلاقی و دینی در کنار آموزش‌های علمی. در بخش چهارم، نقدهایی بر نوع تربیت طالبوف در «کتاب‌احمد» وارد شد از قبیل توییح، سرزنش، نادیده گرفتن نقش مادر در تربیت متربی، عدم اجازه نقادی به متربی، توضیحات طولانی و فراتر از درک مخاطب.

واژگان کلیدی: کتاب احمد، طالبوف، رویکرد تربیتی، استنباط کاربرست‌ها، نقد.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

در هر عصری، توجه به اقدامات و دستاوردهایی فرهنگی، تربیتی، اجتماعی گذشتگان جهت اصلاح جامعه و تأثیرگذاری بر فرهنگ آن زمان صورت گرفته است که تأثیر چشم‌گیری نیز از خود برجای گذاشته است. همین توجه به دستاوردها و عناصر و ساختار موجود در ضمیر آن‌ها هستند که سبب شکل‌گیری تاریخ فرهنگی و تربیتی در دوره‌های بعدی می‌شوند. «تاریخ فرهنگی، رهیافتی است که در آن از منظر فرهنگ به حوادث و رخداد‌های جامعه در یک دوره‌ی تاریخی نگریسته می‌شود و برخلاف رویکردهای مرسوم در تاریخ‌نویسی، بر مبنای نیازها و ضرورت‌های امروز از حال به گذشته می‌رود. آنچه در این رهیافت دارای اهمیت و اعتبار خاص است، توصیف و تبیین و احیاناً تأویل افکار و ادراکات و احساسات مردمان در یک برهه‌ی تاریخی است. از همین رو، در تاریخ فرهنگی، دو نگرش تاریخی و انسان‌شناختی باهم پیوند خورده‌اند و مورخ از تاریخ به‌عنوان بستر شناخت الگوهای رفتاری، باورهای ذهنی، امیال و آرزوهای محقق شده یا نشده‌ی آدمیان بهره می‌گیرد و تلاش می‌کند تصویری جامع و تحلیلی جدید از گذشته‌ی انسانی ارائه کند. بر همین مبنا نیز مورخان تاریخ فرهنگی، بیشتر در جست‌وجوی معانی و معناکاو و تمرکز بر مطالعه‌ی بازنمایی‌های فرهنگی هستند. در واقع، آن‌ها بخشی از گذشته را جست‌وجو و بررسی می‌کنند که دیگر مورخان کمتر به آن توجه کرده‌اند.» (احمدی، ۱۳۹۸: ۱۵).

«نظام آموزش و پرورش ایران، یکی از مبادی و سرچشمه‌های حفظ و انتقال فرهنگ، سنت و تاریخ هر جامعه‌ای است. این نظام آموزشی، به‌مثابه‌ی محتوا و ظرف انتقال، پالایش و توسعه‌ی فرهنگ یک ملت عمل می‌کند و پدیدآورنده‌ی هویت فرهنگی جامعه است. برای تأیید و تثبیت هویت فرهنگی و شناخت تفاوت‌های آن، شناخت تاریخ و اسم غالب حاکم بر ادوار تاریخی الزامی است؛ چراکه هر ملت و

جامعه‌ای، تاریخی دارد که در آن تاریخ و با آن تاریخ، هویت خاص خود را پیدا می‌کند در این راستا محتوای کتاب‌های تاریخ و آموزش تاریخ در نظام آموزشی، به‌مثابه نافذترین وسیله تثبیت و تأیید یا تزلزل و تحریف گذشته و هویت فرهنگی یک ملت عمل می‌کند» (دُرانی، ۱۳۹۲: ۲-۱).

از همین رو است که ادبیات هر سرزمینی در هر منطقه‌ای، نشان‌دهنده‌ی فرهنگ غنی و پیشینه‌ی پربراری است که به سبب شرایط محیطی و آداب و رسوم خاص در آن منطقه به جای مانده است و برای شناخت گنجینه‌ی فرهنگی، ادبی و هم‌چنین مراسم ملی و مذهبی هر منطقه‌ای، می‌توان به این آثار رجوع کرد که خود می‌تواند یکی از موثوق‌ترین و باارزش‌ترین اسناد و مدارک برای شناسایی و پی‌بردن به خصیصه‌های فرهنگی، علمی و ادبی آن منطقه یا آن ملت به شمار آید. در این میان، آثار ادبی بازمینه‌ی تربیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ چراکه بشر همواره نیازمند تربیت بوده و برای دستیابی به ارزش‌های حیاتی و کمالات انسانی ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد که در هر دوره‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است.

امر تربیت در همه‌ی ایام و در طول تاریخ برای همه‌ی جوامع و ملّت‌ها مهم بوده است ولی ما گمان داریم در عصر ما و بخصوص برای دوام کشور ما که مهد اجتماعی از مردمی علاقه‌مند به سنت و سابقه فرهنگی خود است، مهم‌تر است. «در یک تعریف، تربیت به معنی پروردن و پروراندن از ماده‌ی رَبَو است و این لغت به معنای بالا رفتن، اوج گرفتن و افزودن، رشد کردن و ... است؛ و در اصطلاح به معنی کوششی است جهت ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد، به کمال رساندن تدریجی و مداوم او» (قائمی، ۱۳۶۵: ۲۳). «تربیت در جنبه‌ی فردی، عاملی برای سازندگی انسان و وسیله‌ای جهت هدایت و رشد اوست. از طریق تربیت می‌توان آدمی را به بلندترین نقطه‌ی جمال و کمال رساند و از افراد بشر که زمینه‌های گوناگون و خام به دنیا می‌آیند، انسان‌هایی ساخت، متفکر، مدبّر، خلاق و مولّد، موجد تحوّل و تغییر در سطح ملی بین‌المللی. در جنبه‌ی اجتماعی نیز تربیت عاملی برای همسان‌سازی و تفاهم داشتن حیات اجتماعی توأم با صلح و سعادت، زندگی در سایه‌ی حفظ و رعایت قوانین است؛ امری که وجودش برای ادامه‌ی حیات همه‌ی جوامع ضروری است» (قائمی، ۱۳۶۵: ۸-۵). «چنانکه همه‌ی انسان‌ها برای داشتن زندگی بهتر، به تعلیم و تربیت نیازمند هستند و باید اذعان کرد که تعلیم و تربیت، پایه و اساس زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد و بر همین اساس که همه‌ی انسان‌ها از ابتدای تولّد به نوعی به دنبال تعلیم و تربیت بودند» (آتشی و همکاران، ۱۳۹۷). «در واقع، تعلیم و تربیت نه‌تنها می‌تواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری و حتّی جسمانی فرد مؤثّر باشد، بلکه یک نوع ابزاری در

جهت رفع نیازهای حقیقی (اقتصادی، سیاسی، نظامی و...) به شمار می‌رود. از این رهگذر است که می‌توان گفت: مشخصه یک اجتماع سالم، نظام تعلیم و تربیتی زنده و مترقی است که انسان‌هایی آزاده، خلاق و مبتکر می‌سازد تا جامعه را از عقب‌ماندگی نجات دهند» (حاجی صادقیان، ۱۳۹۵).

«تربیت، هدایت جریان رشد، یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم آوردن شرایط مساعد برای رشد در جهت مطلوب است» (شکوهی، ۱۳۹۵: ۳۳). «روانشناس فرانسوی، هانری ژولی، تربیت را مجموعه تلاش‌هایی تعبیر می‌کند که هدف آن‌ها برخورداری ساختن فرد از همه‌قوایش و آماده کردن او برای استفاده صحیح از آن‌ها باشد. دورکیم، با نگرش اجتماعی خاص خویش، تربیت را عملی می‌داند که نسل بزرگسال بر نسلی که هنوز برای زندگی در جمع رسیده و پخته نیست اعمال می‌کند. به نظر کرشن اشتاینر، عمل تربیتی عملی قائم بالذات است که لازمه وجود هر جمعیت انسانی است. این عمل در پی هدفی طبیعی که فرد منزوی بدون برخورداری از کمک جامعه به آن نائل تواند شد، نیست» (همان: ۲۷).

امر تربیت می‌تواند به صورت‌های مختلف صورت بپذیرد. یکی از این صورت‌ها، کنکاش در آراء و نوشته‌های به‌جامانده از بزرگان فرهنگ و ادبیات آن سرزمین است. کنکاشی که می‌تواند به صورت استخراج، بازسازی، نقادی و کاربردی سازی محتواهای تربیتی موجود در آن آثار باشد. برخی از محتواهای تربیتی به صورت مستقیم (مثلاً گلستان سعدی) و برخی به صورت غیرمستقیم (مثلاً کتاب سیرالملوک)، بیان شده‌اند. این امر می‌تواند به صورت یک رویکرد به منظور بازنگری در آراء ادبی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و اخلاقی در کشور ایران اسلامی ما و در تمام آثار پیشینیان صورت گیرد. رویکردی که باعث حفظ و نگهداشت، نقادی و کاربردی سازی و در نتیجه زنده ماندن آن‌ها شود.

یکی از آثار و اسناد مهم در زمینه‌ی تربیتی، علمی و اجتماعی، «کتاب احمد» اثر عبدالرحیم طالبوف می‌باشد. می‌توان گفت که این کتاب، قبل از هر چیز، یک کتاب تربیتی است. حاوی نکات تربیتی پدر خطاب به فرزند خیالی اش. ارتباط پدر با فرزندش احمد، یک ارتباط دوسویه و حضوری و کاملاً

۲. Henry Joly.

۳. Emile Durkheim.

۴. Kerchensteiner.

مؤدبانه است. وی احمد را مانند یک انسان که نیاز به توجه و آموزش غیرمستقیم دارد، می‌شناسد. این کتاب دراصل درباره موضوعات، علمی، اجتماعی، سیاسی و فلسفی زمانی خودش نوشته است. اما علاوه بر این، یک کتاب انتقادی هم هست. کتابی که به نقد مسائل مختلف و ازجمله مسائل آموزشی زمانه خود ولو به صورت زودگذر و شتاب‌زده، پرداخته است. هم‌چنین می‌توان آن را بازنمایاننده جامعه زمان نویسنده دانست. جامعه‌ای توسعه‌نیافته، وابسته و خرافی. از همین رو این کتاب را می‌توان در حوزه تاریخ، جامعه‌شناسی و سیاست قرارداد. زبان کتاب، از یک سو، ساده و شیوا و البته گاهی همراه با برخی الفاظ و اصطلاحات خارجی است، از طرف دیگر، همراه با کنایه و ایما و اشارات است. در کنار این کنایات و ایما و اشارات، می‌توان حس دلسوزی و وطن‌دوستی نویسنده را مشاهده کرد که در پی آن مسائل تربیتی را جهت تغییر در جامعه زمان خویش بیان کرده است.

این کتاب دارای ویژگی‌های خاص تربیتی است و از این رو بررسی آن به‌عنوان یک کتاب تربیتی کامل، شایان توجه است. چراکه «کتاب‌احمد» را احتمالاً بتوان یک کتاب کاملاً تربیتی دانست؛ اکثر حجم این کتاب به موضوع تربیت بر روی شخصی خاص می‌پردازد. این امر، بیانگر این است که نویسنده‌ی این کتاب در وهله‌ی اول، در زمینه فردی، گروهی و اجتماعی می‌پردازد و در این راه از روش‌های مختلف تربیتی بهره گرفته است. نویسنده علاوه بر پند و اندرز و محبت و مهرورزی، از روش‌های کنترل و نظارت، مشارکت دادن کودک و تکریم شخصیت نیز استفاده کرده است. او برای بیان مفاهیم و ارزش‌های موردنظر خود از روش‌های گوناگونی همچون؛ تمثیل، داستان و شرح سرگذشت دیگران (پیشینیان) بهره برده است و با این روش‌ها سعی در عبرت‌آموزی مخاطب دارد. «در تمامی صحبت‌های کتاب، نکات تربیتی ارزشمندی به‌صورت صریح یا ضمنی مطرح می‌شود و طالبوف تلاش می‌کند علاوه بر تربیت اخلاقی فرزند خود، آن را از لحاظ اجتماعی هم تربیت کند. وی با ارتقای اطلاعات و آگاهی‌های عمومی‌شان، علاوه بر مهارت‌های زندگی، حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و کشور را در آن‌ها تقویت کند» (تیموری و موحدی، ۱۳۹۴).

هدف پژوهش حاضر، تبیین رویکرد تربیتی طالبوف در «کتاب احمد» و سپس بیان کاربرست‌های امروزی و نقادای آن است. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد: ۱. رویکرد تربیتی طالبوف در «کتاب‌احمد» را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ ۲. کاربرست‌های این نوع تربیت برای دنیای امروزی چگونه است؟ ۳. چه نقدهایی بر این نوع تربیت در «کتاب‌احمد» وارد است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

مرور پیشینه تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده، نشان می‌دهد که علی‌رغم شهرت و جایگاه خاص این کتاب در میان اهل ادب، از منظر تربیتی کمتر به آن پرداخته شده است. برخی از تحقیقات انجام شده در مورد این کتاب وجود دارند که به آن‌ها اشاره می‌شود. در پژوهشی تحت عنوان «سبک‌شناسی ساختاری دو اثر طالبوف (احمد- مسالک المحسنین)» به این نتیجه رسیدند که طالبوف در دوره تحرک فرهنگی و سیاسی رشد یافته و از دانش و فرهنگ سیاسی جدید تأثیر پذیرفته است. وی جزو نویسندگان تاریخ بیداری ایرانیان است. اهمیت محتوای نوشته‌های او بر لفظ، به سبب تعلیمی بودن بهره‌گیری وی را تزیین کلام، طبیعی و متناسب با دریافت مخاطبان می‌سازد. یزدانی و بوچانی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی «کتاب‌احمد» اثر طالبوف تبریزی و امیل اثر ژان ژاک روسو از منظر ادبی، آموزشی و میزان تأثیرپذیری «کتاب‌احمد» از امیل»، به این نتیجه رسیدند که کتاب احمد، به پیروی از سنت قوی حکایت‌پردازی در ایران، دانش روز را دست‌مایه‌ی داستان‌پردازی قرار داده است. ضمن این‌که برخلاف روسو، در زمینه‌ی آموزشی نیز پارافراتر از نظام تعلیمی سنتی قبل از خود نگذاشته است و نمی‌توان آن را اثری صرفاً الگوبرداری شده از رساله فلسفی و آموزشی امیل دانست. به طوری که این اثر به کتاب «امیل ایرانی» شهرت پیدا کرده است. حیدری و صیدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «کندوکاوی در اندیشه‌های آموزشی طالبوف تبریزی»، به این نتیجه دست یافتند که در دوران قاجار، آموزش در ایران به سبک سنتی صورت می‌گرفت. این وضع باعث به‌وجود آمدن مشکلات فراوانی شده و باعث واکنش اندیشمندان شده بود. طالبوف هم یکی از این افراد بود که با نوشته‌هایش از وضع موجود انتقاد می‌کرد. تأکید بر ساده‌نویسی را می‌توان از جنبه‌های مثبت اندیشه‌های طالبوف دانست که به مرور روش نگارش فارسی را تحت تأثیر قرارداد. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «از پرسش‌های متخیلانه تا آفرینش‌های خلاقانه» به این نتیجه رسیدند که چگونه رویکردهای تربیتی متفاوت می‌توانند فرصت و زمینه‌ی آفرینندگی را فراهم کرده یا از بین ببرند. براین اساس، استدلال شد که یک محیط تربیتی پاسخ‌محور، قدرت تخیل دانش‌آموزان را خشکانده و خلاقیت آن‌ها را زایل

^۱ Emile.

^۲ Jean-Jacques Rousseau.

می‌سازد. اگر نظام‌های تربیتی علاقه‌مند به تقویت آفرینندگی دانش‌آموزان هستند، باید فرصت پرسشگری را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند و آن‌ها را برای پرسیدن پرسش‌های متخیلانه تشویق و تحریک کنند. در واقع، خلاقیت در یک فضای پرسشگرانه شکوفا می‌شوند نه در محیطی که تأکید بر پاسخ‌های مشخص، مهم‌ترین ویژگی آن است. ملایی و شادآرام (۱۳۹۴)

تاکنون پژوهشی که به تحلیل نگرش تربیتی طالبوف، بیان کاربردهای امروزی و نقادی آن در کتاب احمد، پردازد انجام نگرفته است ... و این پژوهش از این لحاظ تازگی دارد.

۲. روش پژوهش

از آنجاکه هدف پژوهش حاضر، تبیین رویکرد تربیتی طالبوف در «کتاب احمد» و سپس بیان کاربردهای امروزی و نقادی آن است، برای پاسخ به سؤالاتی که در مقدمه مطرح شد از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی - به‌عنوان یکی از تکنیک‌های مربوط به روش اسنادی در پژوهش علوم اجتماعی - و روش موردپژوهی از نوع تک موردی که به‌صورت استقرائی پیش می‌رود، در پاسخ‌گویی به سؤالات استفاده شد. در مقام تحلیل محتوا واحد معنا و فضای موضوعی یا میدان اصلی پژوهش، کتاب سه‌جلدی «کتاب احمد» است. واحد معنا، گزاره و شامل تمام گزاره‌های خاص مرتبط با تربیت در معنای عام آن است. لذا منطقه محتوایی، شامل گزاره‌هایی با مضمون تربیت‌کردن و تربیت شدن است. از منظر روش موردپژوهی نیز که «در آن، موردپژوه از تجربه‌ای که خود یا دیگران از سرگذرانده است، آموزه‌ای را استنباط و استخراج می‌کند و آن‌ها را مبنای عمل خود قرارداده یا به دیگران توصیه می‌کند» (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۴۱۴)، مطالعه بر روی مورد خاص «کتاب احمد»، بعد از طی مراحل خاص این روش، صورت بسته است.

پژوهش کنونی در چهار گام انجام شد: در گام نخست که خود شامل چند مرحله است، بعد از انتخاب موضوع، بیان مسئله و هدف و سؤالات پژوهش، مطالعه چندباره کتاب، با استفاده از اسناد معتبر و مرتبط، ابتدا به معرفی کتاب احمد، بیان ویژگی‌های نظام آموزشی زمان نویسنده و جایگاه تربیت در کتاب احمد، پرداخته شد. سپس ویژگی‌های «احمد» در مقام متریبی بیان شده و سؤالات وی به‌عنوان راه/ ابزار نوین تربیتی طرح و مورد تحلیل قرار گرفت. لذا در جامعه مورد مطالعه، تمرکز بر قلمرو ویژه تربیت و رویکرد تربیتی نویسنده بود برای تدوین این گام، از روش اسنادی - کتابخانه‌ای و بهره برده شد.

براین اساس، علاوه بر تصویرسازی آنچه در کتاب مذکور هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن اهتمام شد. این امر از طریق جست‌وجو در ادبیات و مباحث نظری پژوهش فراهم شد.

در گام دوم، مفاهیم تربیتی از «کتاب احمد» در دو ساحت ایجابی و سلبی، مستخرج شدند. در بخش استنباط‌ها از نمونه‌گزینی قضاوتی برای این منظور بهره برده شد. «نمونه‌گزینی قضاوتی به معنای آن است که نمونه‌ها به این خاطر انتخاب شده‌اند که مخصوصاً مناسب برای روشن ساختن و بسط نسبت‌ها و منطق میان ساختارها هستند». در گام سوم، کاربست‌های امروزی برخی از روش‌های تربیتی، استنباط و استخراج شد و سرانجام، در بخش چهارم، به نقّادی محتوای این نوع تربیت در کتاب مذکور اهتمام شد. الگوی مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تجزیه و تحلیل مبتنی بر جزءنگری و مشاهده مکرر بود.

۳. جدول ۱. مشخصات کتاب

مشخصات نام کتاب	کتاب احمد/ سفینه طالبی جلد ۱	کتاب احمد/ سفینه طالبی جلد ۲	کتاب احمد/ مسائل الهیات جلد ۳
سال چاپ	۱۳۱۱	۱۳۱۲	۱۳۲۴
تعداد صفحات	۶۹	۴۶	۷۴
تعداد صحبت	۱۸	۴	-----
موضوع	مسائل تربیتی، علمی، اجتماعی و انتقادی	مسائل تربیتی، علمی، اجتماعی و انتقادی	انتقاد از شرایط و وضعیت آن زمان ایران

«کتاب احمد» یا سفینه طالبی، اثر عبدالرحیم طالبوف می‌باشد. نسخه‌ی مورد استفاده در این پژوهش، نسخه‌ی چاپ دوم در تابستان ۱۳۵۶ از انتشارات شبگیر، با مقدمه و حواشی محمد باقر مؤمنی است. این کتاب به بخش‌هایی با عنوان صحبت تقسیم‌بندی شده است. مجلد اول شامل ۱۸ صحبت و جمعاً در ۶۹ صفحه، مجلد دوم شامل ۴ صحبت و ۴۶ صفحه و مجلد سوم، شامل صحبت و مکالمه‌ی بلند چهار نفره میان احمد، پدر و دوستان پدرش می‌باشد که در ۷۴ صفحه گرد آمده است. در این جلد، ترجمه‌ی قانون اساسی ژاپن نیز موجود می‌باشد. سال چاپ نسخه اول و اصلی کتاب به ترتیب جلد، ۱۳۲۴ و ۱۳۱۲، ۱۳۱۱ است (احمد طالبوف، ۱۳۵۶: ۶-۷). در جدول شماره ۱، مشخصات این کتاب آمده است.

این کتاب که از سه جلد تشکیل شده است، گفت‌وگوی پدری است با فرزند خیالی خود در موضوع‌های مختلف علمی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و... و به باور نویسنده، به زبان ساده و قابل فهم برای اطفال نگاشته شده است. کتاب احمد، از آثار دوره قاجار و دارای مضامین تربیتی غنی است که به صورت نشر و با هدف تربیت اخلاقی و اجتماعی برای مخاطبان کودک و نوجوان نگارش یافته است. این کتاب، در زمانه‌ی خود به سرعت در میان مردم مشهور شده، به طوری که در مدارس تدریس شده است.

«جامعه‌ی هدف در وهله‌ی اول در کتاب احمد، متعلمان، مبتدیان و ابنای وطن در ابتدای تعلیم که همان کودکان هستند در نظر گرفته شده است» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۴). اما با توجه به انتقادات اجتماعی و سیاسی که در متن کتاب بیان شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که تمام مردم ایران مخاطب این کتاب هستند. دو جلد اول و دوم شامل سؤالات احمد و جواب پدر به آن است. در کل، موضوع کتاب هم علمی است و هم انتقاد از شرایط آن زمان ایران می‌باشد. نویسنده موارد زیادی از اختراعات و پیشرفت‌های دنیای آن زمان و موضوعات گوناگون دیگر علمی را در موضوعات مختلف برای احمد توضیح می‌دهد. وی هم چنین با گفته‌هایش در جهت اصلاح معایب وطن تلاش کرده است. او معتقد

^۸ پژوهشگران بعد از اتمام این کار، به نسخه‌ی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۹۴)، چاپ دوم نیز دست یافتند که البته از آن بهره نبردند.

^۹ به انضمام این کتاب، بخش‌های ترجمه یافته کوتاه دیگری (کتاب فیزیک، پندنامه مارکوس و رساله‌ی هیئت جدید) هم از همین نویسنده چاپ شده که در این پژوهش از آن‌ها بهره گرفته نشده است. چرا که مرتبط با هدف آن نبودند.

بوده است که در آن شرایط در ایران حکومت مرکزی وجود ندارد. چون قانونی وضع نشده است و همین باعث ایجاد بی‌نظمی در کشور شده است. هم چنین بیان کرده است که حکمرانان ظالم بوده‌اند، به مردم زور گفته‌اند، رشوه‌گیر بوده‌اند، معلّم‌ها بی‌سواد بوده و علم بخصوص و مفیدی یاد نگرفته‌اند، علما و افراد باسواد در آسایش و رفاه بیش‌ازحد زندگی کرده‌اند. با این‌که جانشین بزرگان دین بوده، اما بیشتر آنان محترک بوده و آشوب و درگیری مردم را دوست داشته‌اند، تاجران هم فقط در فکر فروش محصولات بیگانگان و رساندن نفع به آنان بوده‌اند. این‌ها مواردی هستند که در مجموع دو جلد نخست کتاب بیان شده است (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۴۴-۱۴۵).

جلد سوم با دو جلد نخست یک تفاوت رویکردی و روشی دارد. در دو جلد نخست، احمد در مقام کودک، پرسش‌کننده و پدر پاسخ‌دهنده بود. احمد منفعل و کنجکاو بود و هر سؤالی را در هر موضوعی از پدرش می‌پرسید و پدر درحالی‌که جواب احمد را می‌داد، از وضعیت آن زمان ایران هم انتقاداتی کرده و در کنار آن، یک سری موضوعات علمی را هم توضیح داده است. اما در جلد سوم، موقعیت این دو نفر کاملاً عوض می‌شود. پدر، پرسش‌کننده و احمد پاسخ‌دهنده است. یک سری اصطلاحات علمی که پدر می‌پرسد، احمد توضیح می‌دهد. سپس دوستان پدر چند مفهوم دیگر (حقیقت، سلطنت، آزادی، قانون) می‌پرسند و احمد آن‌ها را توضیح می‌دهد. در این خلال، وی شرایط ایران و اروپا را باهم مقایسه می‌کند، از شرایط ایران انتقاد می‌کند، دلیل موفقیت و پیشرفت اروپا را توضیح می‌دهد و راه‌حل مشکلات ایران را بیان می‌کند. البته در یک معنا، احمد در جلد سوم، همان پدر در دو جلد نخست است.

هر کتاب یا نوشته‌ای از منظر دربرگیرندگی مخاطبان، دارای دو حالت است: یا دارای طیف خاص و محدودی از مخاطبان است یا دارای شمولیت در مخاطب است. اما «کتاب احمد» شامل هر دو مورد می‌شود؛ چراکه در وهله‌ی نخست، مخاطبان کتاب احمد، محدود به دانش‌آموزان و والدین و معلمان بوده و آن‌ها بیشتر مدنظر بوده‌اند. از این‌رو که مخاطب آن، بیشتر به نقش احمد در مقام شاگرد و مترقی توجه دارد. به علاوه، کتاب دارای نکات تربیتی و آموزشی خاصی برای دیگر اقشار نیز می‌باشد. چراکه با بررسی کتاب و موضوعاتی که در آن از زبان طالبوف و از زمان بزرگسالی احمد بیان شده است، می‌توان به این نکته پی‌برد که تمام مردم مخاطب وی هستند. از این جهت که از شرایط کلی و عام موجود در کشور بحث کرده و انتقاداتی را بر زمانه‌ی خود وارد می‌کند که بیشتر حاکمان زمانه‌ی خود را به‌صورت

غیرمستقیم مخاطب قرار می‌دهد. البته اشکالاتی مانند گنگ حرف‌زدن، آوردن کلمات روسی و عربی و گاهی آلمانی بدون بیان معنی فارسی آن‌ها، غیرمستقیم حرف‌زدن و نداشتن ساختار مناسب و مشخص در کتاب و... نیز نشان از وجود مشکلاتی در آن دارد.

۴. تحلیل

۴-۱. ویژگی‌های نظام آموزشی زمانه‌ی طالبوف در کتاب احمد

اکنون به منظور ارائه تصوّر بهتری از تربیت و هم‌چنین تبیین بهتر جایگاه تربیت در کتاب احمد، به ارائه برخی از ویژگی‌های نظام آموزشی آن دوره از نظر طالبوف پرداخته می‌شود. البته باید توجه داشت که طالبوف به آموزش و پرورش زمان خود در ایران، مانند بسیاری دیگر از حوزه‌ها، با دید انتقادی نگاه می‌کند.

۴-۱-۱. سخت بودن شیوه‌ی آموزش الفبا

سخت بودن شیوه‌های آموزش الفبای زمانه‌ی نویسنده سبب شده تا اطفال به سختی و بعد از چند سال بتوانند آن را یاد بگیرند. طالبوف در این خصوص می‌گوید:

مثال (۱): ... سایر ملل روی زمین، حروفات زبان خودشان را به بازی یاد می‌گیرند تا موقع رفتن به مکتب و نوشتن و خواندن را در کمال سهولت تحصیل نمایند. برخلاف اطفال وطن ما که از صعوبت الفبای ما، بعد از پنج سال نمی‌توانند کلمه‌ای را درست بخوانند (طالبوف، ۱۳۵۶، صحبت ۲: ۲۲).

مثال (۲): ... گفتیم... اگر معلّم محمود، مثل معلّم سایر مکاتب ملل روی زمین، مراتب تعلیم خود را طی نموده و به‌عنوان معلّمی امتحان داده بود و دستگاه تعلیم ما مثل دستگاه تعلیم ملل متمدنه می‌بود و الفبای ما اقلّاً به ده، یک سهولت الفبای سایرین را می‌داشت، راضی می‌شدم که تو به مکتب بروی و تعلیم بگیری. ولی الفبای ما آن‌قدر مشکل و اوضاع تعلیم ما به حدّی بی‌نظم است که من ترا تا سه سال دیگر اذن رفتن مکتب نمی‌دهم (همان).

۴-۱-۲. ضعف نوشتاری میان معلّمان

نویسنده با توضیحاتی در مورد قطعه، بیان می‌کند که معلّم‌های آن دوره از نظر سواد مشکل داشته و در نوشتار ضعیف بوده‌اند.

احمد گفت: آقا، وعده نمودید که از عید و «قطعه» به من صحبت نمایید. گفتم: قطعه تفصیلی ندارد... قطعه‌ی معلّم این قدر ناقص و بی‌معنی است که حاکی جمیع حالات او و مراتب تعلیم مکاتب است. نقش‌های بی‌معنی، صورت‌های بی‌علم تناسب، اشعار لغو و باطل که در آن‌ها نوشته می‌شود، مایه‌ی تعجب و حیرت است... اگر در این قطعه اقلّاً تاریخ وضع عید نوروز و مطالب دایر، بدین روز فیروز را می‌نوشتند، باز اطلاعی برای اطفال حاصل می‌شد... (طالبوف، ۱۳۵۶، صحبت ۵: ۳۲).

۳-۱-۴. استقبال از تغییر در آموزش و پرورش

با وجود این، در زمانه‌ی نویسنده‌ی کتاب احمد، تغییراتی که در آموزش و پرورش ایران ایجاد شده، شرایط مدارس و مواد آموزشی را تغییر داده و باعث آموزش مطالب مفید شده است. «گفتم: نور چشم من، می‌بینی که از تعلیم چهار ماهه‌ی مکتب جدید، از محمود که سه سال است به مکتب قدیم می‌رود، بیشتر تعلیمات تحصیل نموده و زبان نمسه و انگلیسی را می‌فهمی...» (همان، ج ۲، صحبت ۱: ۹۳).

۴-۱-۴. مقایسه مدارس ایران و سایر ملل

بعد از مطرح نمودن ویژگی‌های مذکور در باب حوزه‌ی آموزش و پرورش ایران در زمان قاجار، نویسنده گاهی دست به مقایسه و تطبیق کلی و سطحی نظام آموزش و پرورش ایران و دیگر کشورها نیز می‌زند: کتاب را مطالعه نموده، بی‌اختیار متأثر شدم که صدسال بیشتر است که در کلّ شهرهای معتبر ملل متمدّنه، مدارس متعدّد برای کوران و چهارصد سال بیشتر است برای گنگان مکتب‌ها ساخته‌اند؛... از میان آن‌ها اشخاص مستعد و دانا و فیلسوف و مؤلف بیرون آمده و می‌آید... مگر هوای وطن ما، ایران، به تربیت شخص غیرتمندی مستعد نیست که تأسی به همّت ممدوحه انسان دوستی نموده،... دست کم در شهرهای بزرگ ایران تأسیس نماید...! (همان، صحبت ۱۸: ۸۶).

۵. جایگاه تربیت در کتاب احمد

اکنون به استخراج چگونگی و جایگاه تربیت در «کتاب احمد» پرداخته خواهد شد. برای ورود به این مبحث، باید چند گام برداشته شود. با توجه به این که احمد، شخصیت اصلی کتاب است، نخست لازم است به برخی از ویژگی‌های متربی‌ای که نویسنده‌ی کتاب در نظر دارد، پرداخته شود. چراکه چگونگی رویکرد مربی به متربی، بر کیفیت آموزشی وی مؤثر است و چگونگی آموزش به متربیان را تعیین می‌کند. در این کتاب، احمد فردی است که ویژگی‌های خاصی را که مدنظر نویسنده است، دارد؛ نه یک کودک عادی، مثل سایر کودکان ایرانی هم‌سن و سال خود که به مدرسه می‌روند. این ویژگی‌ها در جدول شماره ۲ آمده‌اند.

۱-۵. ویژگی‌های احمد در مقام متربی

جدول ۲. ویژگی‌های تربیتی احمد

منبع	ویژگی	ردیف
(طالبوف، ۱۳۵۶، صحبت ۱: ۱۷)	مرتب بودن	۱
(همان: ۲۱)	منطقی بودن	۲
(همان: ۲۱)	مهربان بودن	۳
(همان، صحبت ۲: ۲۳)	مسئولیت‌پذیر بودن	۴
(همان، صحبت ۴: ۲۹)	رعایت احترام	۵
(همان، صحبت ۱۴: ۶۳)	صلح‌طلبی	۶
(همان، صحبت ۴: ۲۹)	متفکر بودن	۷

^{۱۱} البته واضح است که در زمان نویسنده، آموزش امری اجباری و همه‌گیر نبوده، همه خانواده‌ها مایل به گذاشتن کودکانشان به مکتب/ مدرسه نبوده‌اند. به علاوه، فقط تعداد اندکی از کودکان خانواده‌های خاص، اجازه داشته‌اند که کودکانشان را به مدرسه بفرستند.

^{۱۲} احمد در اینجا نماد متربی خیالی و البته خاص و متفاوت با متربیان عادی ایرانی از نظر نویسنده است که بر سبک امیل روسو و به تأثیر از آن نوشته شده است.

۸	باتدبیر بودن	(همان، صحبت ۹: ۴۷)
۹	پرسشگر	(همان، صحبت ۳: ۲۵)
۱۰	کنجکاو بودن	(همان، ج ۲، صحبت ۳: ۱۲۲)
۱۱	توجه به بازی و یادگیری از آن	(همان، صحبت ۱۱: ۵۲)
۱۲	دقیق بودن	(همان، صحبت ۱: ۱۷)
۱۳	علاقه به یادگیری	(همان، صحبت ۲: ۲۲)
۱۴	عمل کردن به قول	(همان، صحبت، ۱۳: ۶۰)
۱۵	وطن دوستی	(همان، صحبت ۱۴: ۶۳-۶۴)

با توجه به محتوای جدول فوق، مشخص می‌شود که احمد فردی با ویژگی‌های خاص بوده است. کودکی مرتب و در برخورد با مسائل، منطقی، در رفتار مهربان و مسئولیت‌پذیر بوده که احترام دیگران را نگه داشته، صلح طلب و هم‌چنین وطن‌دوست بوده است. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز احمد، متفکر بودن او می‌باشد و همین ویژگی باعث به وجود آمدن ویژگی‌های مثبت دیگری مانند تدبیرکردن، پرسشگری و کنجکاوای شده است و همین ویژگی اخیر، باعث شده که به یادگیری علاقه‌مند باشد.

۲-۵. سؤالات احمد

اگر از دید آموزش و پرورش امروزی به قضیه نگاه شود، یکی از ویژگی‌های آموزش مؤثر، مشارکت‌متربی در مباحث کلاسی است. این امر می‌تواند به شیوه‌های مختلف روی دهد. یکی از این شیوه‌ها، شیوهی مشارکت پرسش و پاسخ و توجه به پرسشگری کودکان است. این امر، همواره در «کتاب احمد» به‌عنوان یک روش آموزشی موردنظر است.

بنا بر چنین زمینه‌ای، گام دوم در استنباط مفهوم تربیت، توجه به روش تربیتی موردنظر نویسنده و ویژگی‌های فرد تربیت‌یافته است که در سؤالات احمد متجلی می‌شود. لذا در اینجا به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۳. استخراج برخی از سؤالات احمد از «کتاب احمد»

ردیف	سؤالات احمد	منبع
۱	احمد گفت: آقا، شما گفتید قرآن کتاب آسمانی ما مسلمانان است. قرآن ما به چه زبانی نوشته شده؟	(طالبوف، ۱۳۶۵، صحبت ۱: ۱۹)
۲	احمد گفت: آقا، شما فرمودید بانی هر مذهب. مگر غیر از اسلام مذهب دیگر هم هست؟	(همان)
۳	احمد گفت: ماه قربان نیز داخل شهور اسلام است؟	(همان، صحبت ۱: ۲۰)
۴	آقا، کاغذ را از چه می سازند و چطور می سازند؟	(همان، صحبت ۳: ۲۵)
۵	احمد گفت: آقا، قطار به آن سنگینی را چه چیز حرکت می داد و به تندی برق راه می برد؟	(همان، صحبت ۱۶: ۷۵)
۶	احمد گفت: آقا، تعلیم لسان ترکی عثمانی و روسی که مجاور وطن ما هستند عیب ندارد، اما تعلیم زبان انگلیسی و نمسه و فرانسه که از سرحد ما دو هزار فرسخ دور هستند، برای اطفال ایران چه لازم است و ایرانی چه ربطی با آن ها دارد؟	(همان، جلد ۲، صحبت ۱: ۹۴)
۷	احمد گفت: آقا... این را نیز بیان نمایید که یخ مصنوعی را چطور درست می کنند، مگر وجود یخ طبیعی کافی نیست؟	(همان، جلد ۲، صحبت ۱: ۱۰۱)
۸	احمد گفت: آقا، باغبان خادم و اجیر ما است. او را هر دفعه تعارف دادن و اظهار امتنان نمودن چه لازم است...؟	(همان، جلد ۲، صحبت ۲: ۱۱۰)
۹	احمد گفت: اگر آقا اذن بدهد. گفتم: اگر عمل مأذون است هرچه می خواهی بنما... احمد گفت: آقا، زمین ما می گردد؟	(همان، جلد ۲، صحبت ۲: ۱۱۷)
۱۰	احمد یک دفعه کتاب را برداشته پیش من آورد و گفت: آقا، سبب این آبادی حیرت انگیز بلاد خارجه چیست؟ چرا ممالک ما به این آبادی نمی رسد؟	(همان، جلد ۲، صحبت ۴: ۱۲۲)

مطالعه‌ی سؤالات احمد بیانگر روحیه‌ی کنجکاو و پرسشگر اوست که خود نشان از نوع تربیت‌یافتگی او دارد. حوزه‌ی پرسشگری وی نیز گسترده و متنوع است. مثلاً از دین و کتاب قرآن، مسائل علمی مانند اختراع کاغذ، قطار و یخ تا یادگیری زبان و پیشرفت ملل گوناگون می‌پرسد. لذا سؤالات وی محدود به حوزه‌ی خاصی نیست.

جلد اول و دوم کتاب احمد، بیشتر به سؤالات مطرح‌شده از طرف احمد و جواب‌های طالبوف اختصاص داده شده است. در تمام صحبت‌ها، احمد یک یا چند سؤال پرسیده و طالبوف پاسخگوی آن‌ها بوده است. به طور تقریبی در دو جلد نخست، احمد سی سؤال از موضوعات مختلف پرسیده است. در مورد منشأ سؤالات احمد می‌توان گفت که جلد اول «کتاب احمد» به طور عمده به ذکر مسائل علمی در حوزه علوم تجربی و آزمایشی، اختصاص دارد. مسائلی که البته نویسنده در خلال آن‌ها، و به منظور آشنایی بیشتر متربی‌اش در حوزه تربیتی، به مسائل اجتماعی ایران، گریزی می‌زند؛ اما جلد دوم کتاب، کمتر به مسائل علمی پرداخته و از لحاظ نقد اجتماعی، بسیار غنی‌تر است. «گاه رفتار و حرکت جالبی از کسی دیده و سؤال پرسیده، گاه بعد از گوش دادن به سخنان پدر و تفکر در مورد آنان، سؤالاتی برایش پیش آمده و گاهی هم با خواندن کتاب و دیدن نقشه، مواردی را بیان کرده است. اما به طور کلی، خیلی کم پیش آمده که احمد از خود خلاقیتی نشان بدهد و سؤال بپرسد. با وجود این، در تمام صحبت‌ها و سخنانی که احمد بیان کرده، هیچ‌گونه بی‌ادبی نشان نداده و تمام سؤالات خود را در کمال ادب و احترام پرسیده است. نکته مورد توجه، واکنش احمد به جواب‌های پدر، بعد از هر سؤال می‌باشد. به طوری که در هیچ صحبتی، احمد واکنش خاصی مانند نقد گفته‌ها، پرسیدن سؤال مرتبط دیگر و... نشان نداده و به همان جواب ارائه شده قانع شده است. هدف پدر هم در مقام مربی، قانع کردن و آگاه‌سازی وی است. در این مورد، روش تربیتی وی کاملاً سنتی است؛ چراکه مفروض ذهنی مربی، گیرندگی بالای متربی، بدون نیاز به تمرین و تکرار و کاربردی‌سازی مطالب است. به طوری که می‌شود گفت همیشه سؤال پرسیدن یک‌طرفه بوده است و سؤالات، کمتر در مورد «چرایی» مطالب بوده و بیشتر از «چگونگی» می‌پرسد.

در جلد سوم کتاب یا مسائل الحیات که حدود صد و هشت صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است، روند پرسیدن سؤالات برعکس می‌شود؛ یعنی احمد در مقام فردی تحصیل‌کرده به سؤالات سه نفر دیگر از جمله آشنایان و دوستان پدر، پاسخ می‌دهد. می‌توان گفت که در واقع این مجلد، به دسته‌ی

خاصی از مسائل اجتماعی و سیاسی مربوط به حوزه داخل ایران و جهان پرداخته است. البته مانند دو جلد دیگر، بر حسب نگرش عمیق مربی، که الان دیگر خود احمد است نه پدر، و به تبعیت نگرشی که از مربی دوران کودکی خود یادگرفته است، تا حدود زیادی، به طرح و بررسی برخی از مباحث فلسفی اختصاص داده شده است. مسائلی که گاه برای وضوح آنها، از برخی از مسائل علمی مطرح در کتاب نخست نیز، سخنی به میان آمده است. در این جا فرض بر نادانی (تجاهل) و یا جهل بسیط مخاطبان و تحصیلات بالای احمد است. احمدی که تخصص دارد و از او انتظار هست که در تمام موارد اظهار نظر کند. نظراتی که در آن، کنکاش و چون و چرایی نیست. احمد خود را مجاز می‌داند که به همه سؤالات دیگران در مقام مربی پاسخ دهد. مربی‌ای که همان نقش پدر/ مربی دوران کودکی خود را ایفا می‌کند. به بیان دوم، نقش احمد و مربی وی، در دوران جوانی احمد و پیری مربی‌اش عوض می‌شود. سؤالات پرسیده شده از احمد، محدود و چارچوبه‌دار نیست. طیف خاصی از موضوع و علوم را شامل می‌شود. نکته‌ی مهم از منظر تربیتی، بهره‌وری از پرسشگری به‌عنوان یک روش تربیتی است. روشی که همواره در گفت‌وگو را باز می‌گذارد. اقیانوس نادانی و جهالت فرد را روشنی می‌بخشد و حدود و ثغور آن را مشخص می‌سازد. روشی که همواره مربی و مرتبی نقشی زنده و پویا در روند اجرای آن دارند. البته این امر، علی‌رغم مشکلات اجرایی آن در عمل از طرف مربی وی، در روند تربیت یافتگی احمد بسیار مؤثر است و او را مرتبی‌ای با ویژگی‌های خاصی بار می‌آورد. از جمله: دارای شنونده فعال، صبور، عمیق، دارای دید باز، پخته، کنجکاو، مؤدب، داشتن احساس ارزشمندی، مورد توجه قرار گرفتن، داشتن دید گسترده، آگاهی به گستره‌ای از موضوعات و اعتماد به نفس بالا.

۴-۵. مفاهیم تربیتی مستخرج از کتاب احمد

بعد از بیان ویژگی‌های تربیتی و سؤال‌های احمد به‌عنوان یک مرتبی، اکنون به استخراج محتویات تربیتی که آموزش آن‌ها مدنظر طالبوف بوده پرداخته می‌شود. از این لحاظ، با توجه به مطالعات انجام شده بر روی کتاب احمد، نکات زیادی در روش تربیتی نویسنده از قبیل احترام به بزرگ‌ترها، اماکن مقدس و مذهبی، احترام به حیوانات، حفظ امانت و امانت‌داری و... به دست آمد که ضمن برشمردن این مفاهیم و روش‌ها، به ذکر نقل قول مستقیم از کتاب نیز پرداخته شده است.

۱-۴-۵. جنبه‌های ایجابی تربیت

۱-۱-۴-۵. احترام به بزرگ‌ترها: احترام به بزرگ‌ترها، والدین و معلّم‌ها، یکی از موارد مدنظر نویسنده برای تربیت کردن است. «احمد امروز به‌قرار هرروز از خواب برخاست، دست و روی خود را شست، دعایی را که در ازدیاد عمر والدین و شکر خداوندی به او یاد داده‌اند خواند، به اتاق من آمد تا سلام بدهد و دست مرا بوسیده برود.» (طالبوف، ۱۳۵۶، صحبت ۱: ۱۷).

۱-۲-۴-۵. حفظ امانت: حفظ امانت و امانت‌داری، مفهومی است که نویسنده بر آن تأکید دارد. هم از جنبه تربیتی و هم از جنبه دینی. «احمد گفت: آقا اذن بدهید بروم... رفت، امورات مهم خود را انجام داد و برگشت. گفتم: سنگ‌هایت درست است؟ گفت: بلی. به ماهرخ هرچه شمرده یا نشمرده بسپاری، درست نگه می‌دارد. همیشه نصیحت شما را تذکره می‌کند که می‌گویید: حفظ امانت، اول وظیفه انسان و اساس ایمان و اسلام است.» (همان، صحبت ۲: ۲۳).

۱-۳-۴-۵. احترام به اماکن مقدّس: احترام به اماکن مقدّس و انجام رسم و رسوم از موارد تربیتی موردنظر نویسنده است. «... بعد از ظهر رفتم به زیارت اهل قبور، اطفال هم بودند. ایشان را از طفولیت به احترام و زیارت مقبره‌های اموات باید معتاد نمود و رسوم و عادات ملیه را به‌طور رسوخ در دل آن‌ها که حکم نقش حجر دارد، مرتسم داشت.» (همان، صحبت ۵: ۳۱).

۱-۴-۴-۵. علم‌آموزی با صبوری: عالم باید هنگام انتقال علم و معلوماتش، صبور و همراه با حلم و بردباری باشد. «ماهرخ گفت: چایی را هم یقیناً از عربستان می‌آورند. احمد متغیّر شد. گفت: دو سال است هی روی کلیچه‌های قندی به تو خاک ختا را نشان می‌دهم. تو هنوز ختا و عربستان را فرق نمی‌دهی...» من به احمد دقت گرفتم؛ گفتم: چرا خواهرت را به جهل تو بیخ می‌کنی؟ تو نیز قبل از تعلیم، وصله جهل را در دامن قبای خود داشتی و حالا هم داری. وانگهی علم و اطلاع وقتی مفید است که متحد با حلم باشد؛ وگرنه عالم بی حلم از جاهل بی علم تفاوت ندارد.» (همان، صحبت ۷: ۴۲).

۱-۵-۴-۵. وفای به عهد: وفای به عهد یکی از موارد تربیتی موردنظر نویسنده است که به فرزندان خود توصیه می‌کند. «احمد گفت: آقا، من گربه را به این بازی تعلیم داده بودم. غیر از این، بازی‌های دیگر نیز می‌دانم... چون وعده نموده بودم که به این‌ها نشان بدهم، از تعجیل، درست نیسته بودم. گفتم: خیلی خوب، هر چه که وعده بکنی البته وفا باید نمایی. من تو را به این عمل تنبیه نمی‌کنم.» (همان، صحبت ۱۳: ۶۰).

۶-۱-۴-۵. آداب اجتماعی و تعامل با دیگران: نویسنده سعی دارد که آداب اجتماعی را به فرزندان خود یاد بدهد و بارها به آنان توصیه می‌کند. «بعد از دقیقه‌ای، همین‌که از حاجی خلاص شده، می‌خواستم مشغول بشوم، احمد و ماهرخ و اسد و زینب درآمدند. خواستم محل نگذارم زود بروند. گفتم: چرا بی‌موقع و ناخوانده نزد من آمدید؟ مگر بارها نگفته‌ام که بی‌دعوت، وانگهی بی‌موقع، منزل کسی رفتن، بی‌ادبی است؟» (همان، صحبت ۱۵: ۶۹)

۷-۱-۴-۵. احترام به حیوانات: احترام به حیوانات و موجودات بی‌آزار، یکی دیگر از آموزش‌هاست. «دراین بین، موری روی پنجره راه می‌رفت. احمد با دست خود زد و کشت. گفتم: تو در اینجا دو خلاف بزرگ نمودی که یکی معفو و دیگری غیر معفو است. ... دویم عمل تو، کشتن ذی‌روح بی‌تقصیری بود که آسوده به راه خود می‌رفت و آزاری به تو نداشت» (همان، صحبت ۱۶: ۷۰-۷۱).

۸-۱-۴-۵. تفکر کردن: دعوت به تفکر و تدبیر، همواره مدنظر نویسنده است. مثال ۱: «... احمد گوش می‌داد و متفکر بود. به خیالم آمد که الآن هرچه در روی زمین از ماده کاغذی درست می‌کنند، اطلاعات خواهد پرسید... همین‌که پرسید تا اختراع کاغذ، مردم عالم نوشته‌جات خودشان را چطور ضبط می‌نمودند؟ گفتم: در روی پوست «بیرغامت» یا «پاپروس»... (همان، صحبت ۳: ۲۶).

مثال ۲: «در این اثنا، اطبای فرنگی که برای مشاوره دعوت شده بودند، وارد شدند. من با هزار پریشانی به خانه برگشتم. داخل شده، دیدم احمد از مکتب آمده در جای من نشسته کتاب می‌خواند. روی میز، کتابت مکتوبی دیدم. برداشته باز کردم، خواندم و پاره نموده، میان کاغذهای بی‌مصرف انداختم. احمد گفت: آقا، چرا غیض نمودی. شما همیشه می‌گویید حالت غیض عقلا، جنون موقتی ایشان است...» (همان: ج ۲، صحبت ۳، ۱۱۶).

۹-۱-۴-۵. پرسیدن: در حوزه‌ی آموزشی و تربیتی، سؤال کردن و توجه به پرسیدن، همواره یکی از راه‌هایی است که با آن می‌توان اطلاعات جدید به‌دست آورد و مطالبی را یاد گرفت. مثال ۱: «احمد گفت: اگر آقا اذن بدهد. گفتم: اگر عمل مأذون است هرچه می‌خواهی بنما... احمد گفت: آقا، زمین ما می‌گردد؟ گفتم بلی، زمین ما یکی از آن چهار کواکب است که... دو حرکت دارد...» (همان، ج ۲، صحبت ۳: ۱۱۷).

مثال ۲: «احمد گفت: آقا، اگر معنی ساعت را بیان نمایید دیگر از شما سؤال دیگر نمی‌کنم؛ چون نمی‌توانم حالی بشوم این عقربک‌های کوچک، چگونه اوقات ما را معلوم می‌نمایند. گفتم: ساعت حالا، مثل شاهین ترازو، از کثرت خود موقع هیچ‌گونه توجه و تعقل نمی‌باشد.» (همان).

۱۰-۱-۴-۵. کنجکاوی: انسان هنگام شنیدن مسائل جالب و تازه و تفکر کردن در مورد آن‌ها به حالت کنجکاوی درمی‌آید و سبب پرسیدن سؤالاتی می‌شود. مثال ۱: البته شکوه بلاد معتبر اروپا، مثلاً خیابان‌های پاریس و عمارات چندین طبقه لندن، طفل را مشغول نموده بود. یک‌دفعه کتاب را برداشته پیش من آورد و گفت: آقا، سبب این آبادی حیرت‌انگیز بلاد خارجه چیست؟ چرا ممالک ما به این آبادی نمی‌رسد؟ مگر ما زنده نیستیم؟ اگر انسانیم چرا مثل بوم طالب و ایرانی هستیم؟ (همان: ۱۲۲).

مثال ۲: «احمد گفت: آقا، تعلیم لسان ترکی عثمانی و روسی که مجاور وطن ما هستند عیب ندارد، اما تعلیم زبان انگلیسی و نمسه و فرانسه که از سرحد ما دو هزار فرسخ دور هستند، برای اطفال ایران چه لازم است و ایرانی چه ربطی به آن‌ها دارد؟» (همان، ج ۲، صحبت ۱: ۹۳-۹۴).

مثال ۳: «احمد گفت: آقا... این را نیز بیان نمایید که یخ مصنوعی را چگونه درست می‌کنند. مگر وجود یخ طبیعی کافی نیست؟... ساختن یخ مصنوعی در اراضی حاره که زمستان نیست و در تابستان حرارت هوا به درجه هلاکت می‌رسد، برای سکنه موجب امتداد حیات است. احمد گفت: آقا، مگر چنین مکانی هست که در آنجا زمستان و یخ و برف نباشد؟» (همان: ۱۰۰-۱۰۱).

۱۱-۱-۴-۵. گوش دادن: گوش دادن همواره یکی از راه‌های آموزشی و تربیتی موردنظر نویسندگان است... «خبر دادند که فیروزه فروش خراسانی آمده. گفتم: بیاید... از این قماش سخنان، هی می‌گفت و هی قسم می‌خورد. احمد حاضر بود و گوش می‌داد. گفت: آقا، این مهمان عزیز چرا این قدر قسم می‌خورد، یقیناً دروغ می‌گوید. شما بارها گفته‌اید که هرکس در تکلم قسم بخورد، البته یا دروغ‌گوست یا بی‌تربیت و نافهم...» (همان، صحبت ۱۸: ۸۲-۸۳).

۲-۴-۵. جنبه‌های سلبی تربیت

بخشی از آموزش طالبوف به احمد، توجه به امور مکروه، نادرست، حرام و به‌بیان‌دیگر، آموزش بازدارنده از خطاها و اشتباه‌ها و اعمال نادرست است که در زیر به‌عنوان نمونه به دو مورد اشاره شده.

۱-۲-۴-۵. نهی خودستایی: طالبوف با توضیحاتی برای احمد، از خودستایی نهی کرده و تذکر داده است که خودستایی از زشت‌ترین صفات انسان است. محمود گفت: «من می‌توانم آب را بی‌آتش بجوشانم که معلّم تو هم نمی‌تواند... [من به محمود گفتم] این خودستایی بود که نمودی که اقبیح صفات مذمومه انسانی است. اعمال و اقوال مستحسنه هر کس حاکی و متضمّن ستایش عامل و قایل است...» (همان، ج ۲، صحبت ۱: ۱۰۰).

۲-۲-۴-۵. تقبیح قسم خوردن: نویسنده با مثالی ساده توضیح می‌دهد که قسم خوردن بر مسائل کاری و روزانه، درست نیست و نشانه دروغ‌گویی افراد است. «خبر دادند که فیروزه فروش خراسانی آمده. گفتم بیاید. این شخص مدّتی است شغلش فیروزه فروشی است. سی سال است پدر بر پدر دادوستد ما فیروزه است، سنگی به این رنگ و صفا ندیده‌ام. از این قماش سخنان، هی می‌گفت و هی قسم می‌خورد. احمد حاضر بود، گفت: آقا، این مهمان عزیز چرا این قدر قسم می‌خورد، یقین دروغ می‌گوید. شما بارها گفته‌اید که هرکس در تکلم قسم بخورد، البته یا دروغ‌گوست یا بی‌تربیت و نافهم. گفتم قسم خوردن علامت دروغ‌گویی است...» (همان: صحبت ۱۸: ۸۳-۸۲). این مسئله از این جهت نادرست است که لزوماً از قسم خوردن کسی، نمی‌توان پی به دروغ‌گو بودن قسم خورنده برد.

۶. بخش سوم: استنباط کاربردهای تربیتی از کتاب احمد

بعد از استخراج سؤالات احمد و تحلیل آن‌ها و مفاهیم تربیتی، در این بخش، به استنباط مواردی از تربیت از منظر طالبوف در «کتاب احمد» برای امروزه پرداخته می‌شود. به بیان دیگر، مواردی در کتاب مذکور وجود دارد که از نظر تربیتی مورد توجه است و امروزه هم می‌توان از آن‌ها در تربیت بهره جست. تعدادی از این موارد با ذکر نمونه‌ها در جدول شماره ۴ بیان شده است.

جدول ۴. کاربردهای امروزین تربیتی از کتاب احمد

ردیف	موارد تربیتی	نمونه
۱	- با صبر و حوصله جواب دادن به سؤالات - توجه به روش پرسش و پاسخ در گفت‌وگو	- این نشستن و برخاستن با نظم و ترتیب... برای چیست؟ گفتم: برای عبادت (همان، صحبت ۱: ۱۸-۱۷).

<p>- آقا، کاغذ را از چه می سازند و چطور می سازند؟ گفتم: کاغذ را از پارچه های کهنه و از پنبه و... (همان، صحبت ۳: ۲۵).</p>	<p>- باز کردن درِ گفت و گو از راه پرسشگری</p>	
<p>... همیشه نصیحت شما را تذکره می کند که می گوید حفظ امانت اول (همان، صحبت ۲: ۲۳).</p>	<p>- توصیه به فرزندان به حفظ امانت</p>	<p>۲</p>
<p>... آن ها را بدگفتن نشاید... زیرا که بدگفتن در هیچ جا و به هیچ کس شایسته نباشد (همان، صحبت ۴: ۲۸).</p>	<p>- پرهیز از بدگویی کردن از دیگران - پذیرش دیگران آن طور که هستند</p>	<p>۳</p>
<p>وطن من معشوق من است. وطن معبود من است... وطن، محتاج پرستش ابنای خود می باشد... (همان، ج ۳: ۱۴۷).</p>	<p>- وطن دوستی - توجه به گذشتگان میهنی</p>	<p>۴</p>
<p>... یادگرفتن السنه آن ها که بتوانیم بی واسطه کلمات خود را مبادله نماییم، لازم است یا نه؟ (همان، ج، صحبت ۱: ۹۴).</p>	<p>- فهم آینده در پرتو شناخت گذشته - ایجاد تعامل و ارتباط با تاریخ کشور خود</p>	<p>۵</p>
<p>این خودستایی بود که نمودی که اقبیح صفات مذمومه انسانی است... (همان، ج ۲، صحبت ۱: ۱۰۰).</p>	<p>پرهیز از غرور و خودستایی و توجه به تواضع و فروتنی</p>	<p>۶</p>
<p>من از اجرای وظیفه خود تَمَرَد نمی کنم... در اعصار آینده اقلّ فایده این نوشتجات، ذکر خیر و... (همان، ج ۳: ۱۴۶-۱۴۱).</p>	<p>- وظیفه شناسی - توجه به آیندگان و آینده نگری - اهمیت دادن به نوشتن - توجه به تأثیرگذاری بر دیگران - به فکر نسل آینده بودن</p>	<p>۷</p>
<p>به احمد گفتم: بسیار خوب... بفرماید که فایده راده به عالم و تمدن انسانیت چیست؟... (همان، ج ۳: ۱۵۰).</p>	<p>- فروتنی پدر و توجه به سخنان فرزندان - داشتن تعامل در رابطه ی معلّم- شاگردی</p>	<p>۸</p>

- فرصت دادن جهت ابراز وجود به شاگردان	
---------------------------------------	--

با تأمل در مطالب جدول فوق، می‌توان به این نکته پی برد که طالبوف همواره در حین صحبت‌ها یک سری نکات و تذکرات به احمد داده که همه‌ی این موارد تربیتی بوده است. هم‌چنین با تفکر در آن مطالب و بررسی شرایط و وضعیت موجود، بیشتر نکات تربیتی مدنظر طالبوف، غیرمستقیم، کاربردی، مفید و از دل خود جامعه و محصول تجربه‌ی زیسته‌ی خود و یا قرارگرفتن موقعیت متربی در آن است. این آموزش‌ها اغلب برای تحقق تربیت اخلاقی است. به‌طور مثال، صبر و حوصله در صحبت‌ها و گفت‌وگو، پرهیز از بدگویی و قضاوت، وطن‌دوستی، وظیفه‌شناسی، بازکردن در گفت‌وگو از راه پرسشگری، توصیه به فرزندان به حفظ امانت، پرهیز از بدگویی کردن از دیگران، پذیرش دیگران آن‌طور که هستند، فهم آینده در پرتو شناخت گذشته و... از مواردی هستند که برای جامعه‌ی امروز قابل تأمل هستند. اکثر این موارد، نکاتی هستند که هم توسط خود نویسنده به کار بسته‌شده و هم برای وی و جامعه‌ی ما، ارزش محسوب می‌شوند.

۷. بخش چهارم: نقادی نوع تربیت در کتاب احمد

در کتاب احمد، علی‌رغم جنبه‌های مناسب و به‌روز نسبت به زمانه‌ی خود که در حوزه تربیت وجود دارد، اما می‌توان به بعد دوم و جنبه‌های کمتر دیده‌شده و یا چالش‌های خاص تربیتی هم که جزء باورهای نویسنده کتاب است، اشاره نمود. انتقادات زیادی بر نوع تربیتی او از منظر عقلانی وارد است. البته نقد در این جا شامل بیان موارد ایجابی و مثبت یک امر هم می‌شود که در قسمت استنباط‌ها به آن پرداخته شد. می‌توان گفت که از نظر طالبوف، تقدّم آموزش رسمی بر تربیت به یک معنا کمتر دیده‌شده است به طوری که وی فرزند فرضی خود، احمد را در خانه آموزش می‌دهد. مطالب آموزشی دارای تنوع بسیار زیاد و گسترده و نامناسب و فاقد نظم و انسجام خاصی می‌باشد. این امر باعث ارائه‌ی مباحث و توضیحات طولانی از طرف نویسنده شده است. مباحثی که فاقد کاربرد خاصی در جامعه است. هم‌چنین درست است که مباحث به صورت گفت‌وگو است. اما گفت‌وگو بیشتر یک طرفه و تحمیلی بوده و جنبه پرسش و پاسخ دارد و هدف از این نوع گفت‌وگو، بیشتر اقناع است و مشارکت متربی در امر

آموزش کم است و این امر بیانگر تقدّم فردگرایی بر جمع‌گرایی است. براین اساس در پژوهش حاضر، به ذکر مواردی همراه با نقل نمونه‌هایی پرداخته می‌شود.

- طالبوف، احمد را به خاطر گریه‌کردن توبیخ می‌کند (همان، صحبت ۵: ۳۱). گریه کردن برای کودکان امری عادی تلقی می‌شود. او با گریه کردن ابراز وجود می‌کند، خواسته‌های خود را مطرح می‌کند، ابراز پشیمانی می‌کند، به آرامش می‌رسد و نباید انتظار داشت که آن‌ها مانند بزرگ‌ترها رفتار کنند.
- گاهی توضیحات طالبوف برای سن احمد قابل‌فهم نیست (کتاب احمد، صحبت ۶: ۳۶). درحالی‌که در توضیح مطالب، باید همواره به سن و توان درک کودک توجّه داشت. بیان مطالب فراتر از حدّ توان درک کودک، باعث خستگی او شده و مطالب را برای وی غیرقابل‌فهم کرده و وی را دچار خستگی می‌کند.
- بیشتر آموزش‌ها و توضیحات طالبوف به‌صورت سخنرانی و یک‌طرفه بوده و احمد مجبور است همه را به حافظه بسپارد (همان، صحبت ۵: ۳۲). اما توضیحات و آموزش به کودکان به‌صورت سخنرانی و حافظه‌محوری، امروزه چندان مناسب و مورد توجّه نیست. چراکه علاوه بر خستگی آن‌ها، ناکارآمدی مطالب را نشان داده و کودکان کمتر به آن رغبت نشان می‌دهند. ازاین‌رو که خود در تولید آن نقشی ندارند.
- احمد با ارتکاب هر نوع اشتباهی، مورد سرزنش پدر قرار می‌گیرد (همان، ج ۲، صحبت ۱: ۹۴). اما اشتباه کردن حقّ هر کودکی است. او از راه اشتباه کردن یاد می‌گیرد و ذهنیت خود را وسع می‌دهد. مهم این است که به او مجال تفکّر بعد از اشتباه کردن داده شود. سرزنش، از منظر تربیتی شاید از بدترین نوع مواجهه‌ها با کودکان است. چراکه موجب تضعیف اعتمادبه‌نفس وی، کاهش انگیزه و ایجاد نفرت از فرد سرزنشگر شده و وی را از ادامه کار باز می‌دارد.
- بیشتر توضیحات طالبوف، طولانی و شامل موارد زیاد است (همان، ج ۲، صحبت ۲: ۱۱۱-۱۱۲).
- طالبوف، معمولاً افراد را قضاوت می‌کند (همان، ج ۲، صحبت ۳: ۱۱۴). زندگی و شرایط هرکس، با زندگی و شرایط زیست دیگران متفاوت است. چگونگی قضاوت کردن صحیح باید آموزش داده شود. این امر نیازمند موارد و مراحل خاصی است. از جمله اختصاص زمان کافی، دسترسی به

- شواهد و مدارک کافی، نگرستن از نگاه فرد قضاوت شونده و... بدون وجود این موارد، احتمالاً ما با اشتباه روبه‌رو خواهیم شد.
- در کل کتاب احمد، مادر، نقشی در تربیت او ندارد. این امر در حالی است که در تربیت فرزند، نقش پدر و مادر به یک اندازه و چه بسا نقش مادر بیشتر است. اما در تربیت احمد، مادر کاملاً بی‌نقش است.
- طالبوف در بیشتر صحبت‌ها، احمد را بر فرزندان دیگر برتری و ترجیح می‌دهد (رجوع به: طالبوف، ۱۳۵۶، ج ۲، صحبت ۲: ۱۱۰). تفاوت قائل شدن بین فرزندان و برتری دادن یکی بر دیگران، درست و عادلانه نیست. این امر، پیامدهای خاص خود را در دیگر فرزندان دارد. از جمله ایجاد خودکمتر بینی، داشتن حسادت نسبت به خواهران و برادران خود، نافرمانی از والدین، احساس زیادی بودن، تنها و بی‌کفایت بودن و... .
- در کل متن، اجازه نقد کردن به احمد داده نمی‌شود (بیشتر صحبت‌ها). این امر باعث می‌شود که کودک نقد و توانایی نقادای را یاد نگیرد، مطیع و وابسته به دیگران بار آید، خلّاقیت نداشته باشد، اهل تنوع و تفکر عمیق نباشد و در نتیجه، کمتر از منظر روانی رشد داشته باشد.
- در اکثر صحبت‌های مجلد ۱ و ۲، احمد وابسته به پدر و جواب‌های او است. وابسته بودن به پدر یا بزرگ‌تر در سنی خاص در کودکی، امری عادی است. اما این امر ادامه‌دار نیست. اجبار به استمرار آن از سوی والدین باعث می‌شود که کودک توان تصمیم‌سازی/گیری را از دست بدهد، اهل تنوع نباشد و برای همه‌ی مسائل راه‌کار یکسان داشته باشد و یا اصلاً فاقد هرگونه راه‌کاری بوده، تابع دیگران بوده، قدرت تفکر و نقادای در او از بین رفته، اهل تنوع نباشد و در نتیجه وابسته به دیگران بار آید.

۸. نتیجه‌گیری و با هم‌نگری

در پاسخ به سؤال اول دالّ بر این‌که رویکرد تربیتی طالبوف در «کتاب احمد» را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال، نخست باید تصور مربی از متربی را مورد توجه قرارداد. چراکه بر همین اساس و ادراکات است که شیوه‌های آموزشی مربی و عملکرد وی مشخص خواهد شد.

ویژگی های تربیتی احمد به عنوان متربی در کتاب، شامل مواردی از این قبیل است. باهوش بودن، مرتب بودن، منطقی، مهربان، باتدبیر، پرسشگر بودن و... می باشند. ویژگی غالب احمد، پرسشگری است و در تمام صحبت ها، احمد سؤالاتی در موضوعات مختلفی مانند دین، اسلام، موضوعات علمی، کشورهای خارجه و... پرسیده و طالبوف در مقام پدر و نه معلم، به آن ها جواب داده است. در کتاب، تغییر توجه به کودک و محور فرض کردن او در امر آموزش می تواند نشان از یک تغییر و انقلاب در زمان نویسنده باشد؛ امری که شاید تا آن زمان باب نبود. این نظر برگرفته از سفرهای زیاد نویسنده به کشورهای مختلف است. او برای کودک خود وقت می گذارد، به او گوش می دهد، سؤالات او را جواب می دهد و بدین شیوه، او را بزرگ جلوه می دهد و به او احترام می گذارد. این شیوهی تربیت کردن، بیشتر به نظریه‌ی ساختن گرایی امروز نزدیک است. نظریه‌ای که در آن، متربی محور و معلم ناظر یا راهنماست. متربی تولیدکننده‌ی دانش است. البته علاوه بر مطالب علمی، در حین آموزش، مطالب دینی و اخلاقی در عمل هم به وی گوشزد می شود. از همین روست که در مرحله‌ی نهایی این بخش، مفاهیم ایجابی و سلبی تربیتی موردنظر طالبوف که آن را برای زندگی فرزند خود لازم می داند، آورده شده است. وی تلاش کرده فرزند صیقلی، منتقد، اخلاق محور، باهوش، کنجکاو و متفاوت تربیت کند. کما این که در جلد سوم کتاب نقش ها تغییر یافته و احمد معلم می شود و پدر و دیگران به این استاد که توان آموزش ندارند و یا به روز نیستند، پای سخن و آموزش احمد می نشینند. منظور نویسنده در این جلد از این جهش نقش ها این است که محصول کار آموزشی و تربیتی خود را ببیند. هرچند وی بیشتر در پی تربیت شخصی مانند خود است.

در پاسخ به سؤال دوم دال بر این که کاربرت های تربیت موردنظر طالبوف در «کتاب احمد» برای کودکان امروزی چگونه است؟ می توان گفت که کاربرت های امروزی روش تربیت طالبوف در کتاب احمد، شامل مواردی هستند که برای والدین و معلمان امروز هم مناسب هستند. به عنوان مثال شیوهی برخورد مربی با متربیان که شامل شاخصه‌هایی مانند با صبر و حوصله جواب دادن به سؤالات کودکان، احترام قائل شدن برای آن ها، مهارت افزایی، اجازهی ابراز وجود دادن و... که همگی از منظر دانش علوم تربیتی امروز مورد توجه و تأکید هستند و باعث افزایش اعتماد به نفس متربیان و در نتیجه، فراهم نمودن

زمینه خلاقیت در آن‌ها می‌شود. به‌علاوه، روشمندی در آموزش: مانند روش گفت‌وگو، پرسش و پاسخ، سخنرانی، تمثیل آوردن، مشارکت دادن متربی و... از جمله روش‌های کاربردی هستند که محتوای درسی را جذاب و ماندگارتر می‌کند. آموزش مسائل فراتر از کلاس و درس نیز از دیگر توجه‌های نویسنده به امر آموزش است. توجه دادن به مسائلی از قبیل وطن‌دوستی، آینده‌نگری، مشورت کردن و... پیشبرد آموزش‌های اخلاقی و دینی در کنار آموزش‌های علمی، مانند توصیه به عدم خودستایی. این نوع تربیت، دربردارنده نکات مهمی، هم برای والدین و هم برای معلمان و مربیان می‌باشد و سرانجام توجه دادن به مواردی که امروزه جزء مهارت‌ها محسوب می‌شوند. از جمله، سکوت کردن، دقت داشتن، صبوری پیشینه کردن، احترام گذاشتن، وقت گذاشتن، دریغ نورزیدن از ارائه مطالبی که فرد می‌داند، آینده‌نگری در مواجهه با کودک و توجه به ابعاد و ساحت‌های مختلف وجودی وی.

سرانجام در پاسخ به سؤال سوم دالّ بر این بود که چه نقدهایی بر رویکرد تربیتی طالبوف در «کتاب احمد» وارد است؟ از منظر تربیت امروزین برخی از محتواها و روش‌های آن کاربردی هستند و مواردی نیز نیاز به بازنگری دارد. هرچند نقد از این منظر، احتمالاً وارد نباشد. چراکه آن‌ها به اقتضای زمان و مکان خاص خود گفته شده است. باوجوداین، موارد تربیتی هستند که طالبوف در تربیت کودک خیالی خود مورد استفاده قرار داده است که مناسب تربیت کودکان نیست. از آنجاکه مربی، فردی دانشگاهی و متخصص حوزه‌ی تربیت نبوده، همواره این نقدها بر کار وی وارد است. وی کمتر به فرزند خود اجازه‌ی اشتباه کردن می‌دهد. وی را سرزنش و توبیخ می‌کند؛ اموری که امروزه به‌عنوان موانع و آسیب‌های آموزشی و تربیتی، شناخته شده‌اند. مربی کوشیده است تا خود به‌عنوان پدر، نقش تربیت او را برعهده بگیرد و مادر هیچ نقشی جز پخت‌وپز و شستن لباس ندارد و در حاشیه است. متربی، صرفاً باید پذیرنده و دارای حافظه‌ی قوی باشد.

او حقّ پرسیدن سؤال از محتویات ارائه‌شده را ندارد. سوا لاتی هم که پرسیده می‌شود؛ تنها از سر ابهام است نه از سر کنکاش در محتواهای ارائه‌شده از طرف مربی خود؛ یعنی محتواهایی که وی در زمان خود، باید به‌عین آن‌ها را به مربی خود تحویل دهد تا نشان دهد که آن‌ها را یاد گرفته است. محتواهایی که او در زمان خود، باید عین آن را به مربی خود تحویل دهد. کوتاه‌ترین سوالات مربی، با توضیحات طولانی و خسته‌کننده و سخت همراه است. مسائلی که شاید هم نیازی به گفتن آن‌ها نیست و هم فراتر از درک متربی بوده و گاهی نامرتبط و غیرکاربردی جلوه می‌کند. نکته‌ی دیگر آن که مربی، همواره تنها برای

یک مربی توضیح می‌دهد و آموزش به صورت فردی است تا گروهی و دسته‌جمعی. این امر هم‌چنین بیانگر، تفاوت قائل شدن پدر، به‌عنوان مربی، بین فرزندان خود و برتری یکی بر دیگری می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های ملایی و شادآرام (۱۳۹۴) با عنوان: «بررسی تطبیقی «کتاب‌احمد» اثر طالبوف تبریزی و امیل اثر ژان ژاک روسو از منظر ادبی، آموزشی و میزان تأثیرپذیری «کتاب‌احمد» از امیل»، تاحد زیادی همسویی دارد. چرا که هر دو به این نتیجه رسیدند که کتاب احمد، از راه داستان و بیان محتوا در قالب حکایت، نکات تربیتی مهمی را به روشی ساده آموزش داده است. هم‌چنین پژوهش حیدری و صیدی (۱۳۹۲)، تحت عنوان «سبک‌شناسی ساختاری دو اثر طالبوف (احمد- مسالک‌المحسنین)» با نتایج پژوهش حاضر همسوست؛ چرا که هر دو به این نتیجه رسیدند که طالبوف در دوره‌ی تحرک فرهنگی و سیاسی رشد یافته و از دانش و فرهنگ سیاسی جدید تأثیر پذیرفته است و همین امر، وی را فراتر از زمانه‌ی خود برد و روش و تفکرات تربیت وی را تا حدود زیادی ماندگار ساخت. پژوهش یزدانی و بوچانی (۱۳۹۱) با عنوان: «کندوکاوی در اندیشه‌های آموزشی طالبوف تبریزی» نیز با نتایج کار ما همسوست. از این رو که هر دو به این نتیجه دست یافتند که هرچند که در دوران قاجار و زمان نوشتن کتاب احمد، آموزش در ایران به سبکی قدیمی و سنتی صورت می‌گرفت و این وضع باعث به وجود آمدن مشکلات فراوانی در آن زمان شد، اما طالبوف یکی از متفکران این دوره بود که با نوشته‌هایش از وضع موجود انتقاد می‌کرد و نوشته‌هایش سبک خاص و متفاوتی داشت. مثلاً تأکید بر ساده‌نویسی را می‌توان از جنبه‌های مثبت اندیشه‌های طالبوف دانست. سرانجام، پژوهش ما با پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان: «از پرسش‌های متخیلانه تا آفرینش‌های خلاقانه» تا حدود زیادی همسوست؛ زیرا هر دو به این نتیجه رسیدند که چگونه رویکردهای تربیتی متفاوت می‌توانند فرصت و زمینه‌ی آفرینندگی را فراهم کرده یا از بین ببرند. بر این اساس، استدلال شد که پرسشگری محور اصلی تربیت است و یک محیط تربیتی پاسخ محور قدرت تخیل دانش‌آموزان را خشکانده و خلاقیت آن‌ها را زایل می‌سازد. اگر نظام‌های تربیتی، علاقه‌مند به تقویت آفرینندگی دانش‌آموزان هستند، باید فرصت پرسشگری را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند و آن‌ها را برای پرسیدن پرسش‌های متخیلانه تشویق و تحریک کنند. هم‌چنین نتایج کار ما با کار جمال‌زاده (۱۳۸۷)، نیز از این جهت همسوست که هر دو به این نتیجه دست یافتند که طالبوف برای رسیدن به هدف خود در

«کتاب احمد» به این نتیجه رسید که آموزش جوانان و راه و رسم کسب علوم جدید به آن‌ها، بهترین راه ممکن است.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، نامدار؛ مهرمحمدی، محمود؛ سجادی، مهدی؛ و طلایی، ابراهیم (۱۳۹۳). از پرسش‌های متخیلانۀ تا آفرینش‌های خلاقانه. پژوهشنامه‌ی مبانی تعلیم و تربیت، (۴) ۲: صص: ۵۰-۲۹.
- آشتی، فلکناز؛ گلستانی، هاشم؛ و شمشیری، محمدرضا (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل دلالت‌های تربیتی و فلسفی دیویی. پژوهشنامه تربیتی، (۵۷) ۱۴: صص: ۲۰-۱.
- احمدی، حسین (۱۳۹۸). تاریخ و تمدن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تیموری، فاطمه؛ و موحدی، محمدرضا (۱۳۹۴). ابعاد تربیتی نصیح‌الاطفال و «کتاب احمد». پیام بهارستان، (۲۹) ۸: صص: ۳۴-۱۱.
- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۸۷). ویژگی‌های تاریخی و جامعه‌شناختی اندیشه سیاسی طالبوف تبریزی. پژوهشنامه علوم سیاسی، (۱) ۴: صص: ۱۴۸-۱۰۹.
- حاجی صادقیان، ریحانه (۱۳۹۵). مقایسه مبانی تعلیم و تربیت اطفال در «کتاب احمد» از طالبوف و «امیل»
- از ژان ژاک روسو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- حیدری، فاطمه؛ و صیدی، فاطمه (۱۳۹۲). سبک‌شناسی ساختاری دو اثر طالبوف (احمد - مسالک المحسنین). تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، (۱۶) ۵: صص: ۲۰۲-۱۷۷.
- خنیفیر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۸). مبانی و اصول روش‌های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی، ج ۲، تهران: نگاه دانش.
- دزانی، کمال (۱۳۹۲). تاریخ آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۵). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: آستان قدس رضوی.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۶). کتاب احمد. با مقدمه و حواشی محمد باقر مؤمنی، تهران: شبگیر.
- قائمی، علی (۱۳۶۵). زمینۀ تربیت. چاپ چهارم، تهران: پژمان.

ملایی، صدیقه؛ و شادآرام، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی «کتاب احمد» اثر طالبوف تبریزی و «امیل»

ژان ژاک روسو از منظر ادبی، آموزشی و میزان تأثیرپذیری «کتاب احمد» از امیل. همایش پژوهش‌های ادبیات و زبان فارسی.

مؤمنی، محمدباقر (۱۳۹۴). پیشگفتاری بر «کتاب احمد». تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

یزدانی، سهراب؛ و بوچانی، ابراهیم (۱۳۹۱). کندوکاوی در اندیشه‌های آموزشی طالبوف تبریزی. جستارهای

تاریخی (فرهنگ)، (۱) ۳: صص: ۱۵۰-۱۳۵

Sources and sources

Ebrahimi, Namdar; Mehromhammadi, Mahmoud; Sajjadi, Mehdi; and Talai, Ibrahim (۲۰۱۴). From imaginative questions to creative creations. Research Journal of Basics of Education, (۴) ۲: pp: ۲۹-۵۰.

fire, flaknaz; Golestani, Hashem; and Shamshiri, Mohammad Reza (۲۰۱۷). Investigation and analysis of Dewey's educational and philosophical implications. Educational Journal, (۵۷) ۱۴: pp: ۱-۲۰.

Ahmadi, Hossein (۲۰۱۸). History and civilization. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.

Timuri, Fatima; and Mohadi, Mohammadreza (۲۰۱۴). Educational aspects of Nasih-al-atfal and "Ahmed's book". Baharestan message :۸ (۲۹) pp.: ۱۱-۳۴

Jamalzadeh, Naser (۱۳۸۷). Historical and sociological characteristics of Tabrizi Talebov's political thought. research paper Political Science, (۱) ۴: pp. ۱۰۹-۱۴۸

Haji Sadeghian, Reihaneh (۲۰۱۵). Comparing the basics of children's education in "Ahmad's Book" by Talebov and "Emil"

From Jean-Jacques Rousseau. Master's thesis, Persian language and literature, Qom University, Faculty of Literature and Humanities.

Heydari, Fatima; and Saidi, Fatemeh (۲۰۱۲). Structural stylistics of two works of Talebov (Ahmed - Masalek

Al Mohsenin). Interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dekhoda), (۱۶) ۵: pp. ۱۷۷-۲۰۲

Khanifar, Hossein and Muslimi, Nahid (۲۰۱۸). Fundamentals and principles of qualitative research methods: a new approach and use, vol. ۲, Tehran: Negah Danesh.

Darrani, Kamal (۲۰۱۲). Education history. Tehran: Side.

Shokohi, Gholamhossein (۲۰۱۵). Basics and principles of education. Mashhad: Astan Quds Razavi.

Talebov, Abdur Rahim (۱۳۵۶). Ahmed's book With an introduction and notes by Mohammad Baqer Momeni, Tehran: Shabgir.

Ghaemi, Ali (۱۳۶۵). field of education Fourth edition, Tehran: Pejman.

Malai, Siddiqa; and Shadaram, Alireza (۲۰۱۴). Comparative study of "Book of Ahmad" by Talebov Tabrizi and "Emil"

Jean-Jacques Rousseau from the literary, educational point of view and the influence of "Ahmed's Book" by Emil. Persian language and literature research conference.

Momeni, Mohammad Bagher (۲۰۱۴). Preface to "Ahmad's book". Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.

Yazdani, Sohrab; and Bochani, Ibrahim (۲۰۱۱). Exploring the educational ideas of Talebov Tabrizi. essays

Historical (Culture), (۱) ۳: pp. ۱۵۰-۱۳۵

Analysis of Talibov's educational approach in "Ahmad's book": Inference and critique of its applications

Mazhar Babae,

Assistant Professor, Department of Educational Sciences,
Farhangian University,
Maedeh Heidarzadeh
Expert in Educational Sciences,

Abstract

The written legacies of the past, which lies behind each particular story, is influential in understanding the study of human history. Criticizing them from a variety of perspectives is an attempt to preserve them through their current application in our present time. The purpose of the present research is to explain Talibov's educational approach, to express its current applications and its critique in Talibov's "Ahmad Book". To achieve this goal, documentary-library research methods, descriptive-analytical and inferential method were used. research Field is a three-volume book "Ahmad Book", the second edition of Shabgir Publishing in the summer of 1977, with an introduction and footnotes by Mohammad Baqer Momeni. The research findings were compiled in four sections. The first part was done in three stages: Introducing of Ahmad's Book, its author and description of his time. The second part explains how to be educated in Ahmad's book in three stages: teacher features, Ahmad questions and extracting educational concepts from the book. In the third Part, the inferences of the type of education considered by the author were discussed the following applications were obtained. 1. The way the coach treats the trainers, skills development, allowing expression and etc. 2 Being methodical in education, such as: dialogue method, question and answer, lecture, and etc. 3. Teaching issues beyond the classroom. ۴ Promoting moral and religious education along with scientific education. In the fourth section, critiques of Talibov's type of training were included in Ahmad's book which include: reprimand, blame, ignore the role of the mother in educating the teacher, not allowing the teacher to criticize long explanations and beyond the audience's understanding.

Keywords: Ahmad's book, Talibov, Educational Approach, Inference of Applications.critice



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی